

بازشناسی شیراز در دوره آل بویه با تکیه بر ابنیه شهری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

کد مقاله: ۱۰۲۱۱

منا قربانی^{۱*}، امیرحسین حکمت‌نیا^۲

چکیده

شیراز به عنوان پای‌تخت دیلمیان در عصر آل بویه که پیش از آن نیز در عصر صفاریان به پای‌تختی برگزیده شده بود در کنار بناهای ارزشمندش باید با اقدامات و ساخت و سازهای جدید آماده حکومت ارزشمند دیلمیان می‌شد. در این میان برخی از ابنیه موجود از عصر صفاریان و عباسیان، مورد استفاده حاکمان دیلمی قرار گرفت و نیز بناهای جدیدی در عصر آل بویه توسط حکام آن احداث شدند تا آن‌جا که شهر شیراز از همه جهات شاهد گسترش و توسعه چشمگیر بود. تاکنون در پژوهش‌ها به آثار دیلمیان به طور پراکنده پرداخته شده است اما مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته اند و ابنیه موجود مورد استفاده دیلمیان بررسی نشده اند. این پژوهش بنابر منابع تاریخی موجود به بررسی هر دو دسته ابنیه برای شناخت بهتر شهر شیراز در عصر آل بویه پرداخته است.

واژگان کلیدی: آل بویه، شیراز، دارالاماره، دیوان، مسجد عتیق

۱- کارشناس ارشد ایران‌شناسی (نویسنده مسئول) ghorbani_m19@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد باستان‌شناسی

۱- مقدمه

شیراز پس از صفاریان بار دیگر در عصر آل بویه به عنوان پای‌تخت دیلمیان مورد توجه قرار گرفت. آل بویه پس از برگزیدن شیراز به عنوان پای‌تخت حکومت خویش آغاز به ساخت بناهای جدید، شهرسازی، ساخت قنات و توجه به رفاه ساکنین شهر در همه ابعاد کرد تا پای‌تختی در خور و شایسته این پادشاهی ایجاد شود، اما علاوه بر این آبادانی‌ها شیراز در عصر صفاریان نیز پای‌تخت حکومت بود و ابنیه با اهمیتی چون مسجد عتیق و دارالاماره با شکوهی توسط خلفای عباسی در آن ساخته شده بود. بنابراین پادشاهان دیلمی از ابنیه با ارزش موجود بهره بردند و هر کجا که نیاز بود اقدام به ساخت ابنیه جدید کردند.

۲- شیراز در دوران آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ ه.ق)

قرن ۴ ه.ق شیراز یک فرسنگ وسعت و بازارهای تنگ و پرجمعیت داشت (امداد، ۱۳۳۹: ۲۵). در زمان پادشاهان دیلمی هیچ شهری به پای شیراز نمی‌رسید (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۷۰۳) و ساخت و سازهای بی‌شماری در این دوران صورت گرفت (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۲۵) که نخستین تحول در ساختار شهر شیراز را رقم زد (بنیادی، ۱۳۷۶: ۵۸). مرکز بزرگی که دارالاماره و دیوان در آن بود با راه‌هایی تنگ و تازه ساز و فارس نیز سرزمینی با ارزش و مرکز بازرگانی به حساب می‌آمد که در وسعت کوجه‌هایش به دمشق شباهت داشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۲۹ و ۶۴۰-۶۴۱). مولف کتاب حدود العالم، شیراز قرن ۴ ه.ق را این‌گونه توصیف کرده است: «شیراز قصبه پارس است. شهری بزرگ و خرم با خواسته و مردمان بسیار و دارالملک است و این شهر را به روزگار اسلام کرده‌اند» (بی‌نا، ۱۳۶۱: ۱۲۰).

۱-۲- دروازه‌های شهر شیراز دیلمی

مقدسی در سال ۳۷۶ ه.ق و پس از فوت عضدالدوله به شیراز سفر کرد و برای آن هشت دروازه نام برده است: دروازه استخر که تا ابتدای دوران صفوی با همین نام شناخته می‌شد (خوب نظر، ۱۳۸۰: ۱۹۸) و از آن دوره به دروازه اصفهان تغییر نام داد، دروازه شوستر (کازرون)، بند آستانه، غسان، سلم (شاه داعی الله)، کوار (قصابخانه)، منذر (کل شیخ ابوزرعه) و فهندر (سعدی). دروازه‌های شهر مامورانی داشت که افراد برای ورود و خروج باید از جواز استفاده می‌کردند و افراد بدون مجوز زندانی می‌شدند تا به امر آن‌ها رسیدگی شود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۱ و ۶۴۲).

۲-۲- وسعت شهر شیراز دیلمی

اگرچه شیراز در این دوره تا زمان حکمرانی صمصام الدوله فاقد بارو بود اما محل دروازه‌ها و حدود شهر قابل تمییز بود و دارای دروازه (باب) بود. دروازه شرقی را باب منذر می‌نامیدند که در شرق گورستان باغ نو بود. همان جایی که شیخ ابوزرعه اردبیلی - معاصر شیخ کبیر - در آن در رباط خویش به خاک سپرده شد و اکنون آن محل را با نام کل شیخ ابوزرعه می‌شناسیم و مقبره شیخ منذر بن قیس از تابعین پیامبر در قرن اول هجری در مقابل مقبره اردبیلی قرار داشت (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۰۳ و ۱۵۹). آن شهید محل قبر خویش را پیش از شهادت در جنگ با زرتشتیان با انداختن تیری در این مکان که زمینی هموار و بدون عمارت بود تعیین کرد (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۷۲). حد شمالی شهر را می‌توان از روی منابع مکتوب این دوره بدست آوریم. در این دوره تاریخی آرامگاه شیخ کبیر در خارج از شهر و آرامگاه شیخ حسن کیا در نزدیکی دروازه استخر ساخته شده بود (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۳۵ و ۱۱۲). دروازه جنوب شهر نیز از آن‌جا که نام گورستان درب سلم یا دارالسلام بر آن است را می‌توان محدوده شمالی این قبرستان را برای آن در نظر گرفت و محدوده غربی شهر احتمالاً در جایی میان مزار سیبویه و دروازه کازرون قرار داشت.

۳-۲- نخستین باروی شیراز

در سال ۳۸۹ ه.ق خطبه به نام بهاء الدوله دیلمی در مسجد خوانده می‌شود. صمصام الدوله ابوکالیجار مرزبان پس از وی به حکمرانی می‌رسد (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۲۶). گرد فنا خسرو در زمان صمصام الدوله دیلمی و توسط ابوغانم عمیدالدوله برادرش که بر او شورش کرده بود تخریب شد و با چوب‌ها و مصالح آن، قلعه فهندز استوار شد تا آنجا که در قرن ۸ ه.ق اثری جز نامی از آن نمانده بود (افسر، ۱۳۵۳: ۴۴-۴۸). بر اساس همین شورش و نگرانی صمصام الدوله ابوکالیجار از محاصره شیراز به دست برادرانش و نیز قدرت سلجوقیان، نخستین باروی شیراز ساخته شد و این بدان معناست که شیراز تا اواخر قرن ۴ ه.ق بدون بارو بود (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۷۰۴). پس از ساخت این بارو با ۱۲ هزار ذرع طول و پهنای ۸ ذرع (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۲۸) که تا سال ۴۴۰ ه.ق به طول انجامید (خوب نظر و موید شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۹۳)، دروازه شهر به یازده عدد افزایش یافت، بارویی که آثار آن تا اوایل قرن ۶ ه.ق در زمان محمد بن ملک‌شاه سلجوقی موجود بود (افسر، ۱۳۵۳: ۵۸) و بعدها توسط اتابک سعد بن زنگی در قرن ۷ ه.ق و دیگر پادشاهان مانند شرف‌الدین محمود شاه اینجو، کریم‌خان زند و غیره مرمت شد (حسینی فسایی، ۱۳۷۷: ۴/ ۷۰۴). صمصام الدوله نیز پس از فوت در آرامگاه آل بویه در نزدیکی مقبره علی بن حمزه (ع) به خاک سپرده شد و ابوشجاع سلطان الدوله به جای پدر در سال ۴۰۳ ه.ق بر تخت نشست (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۲۶-۲۲۷). در سال ۴۳۶ ه.ق استخر ویران شد و

مردم آن به شیراز مهاجرت داده شدند (افسر، ۱۳۵۳: ۵۸). غرالملوک عمادالدوله المرزبان و ابومنصور فولاد ستون از دیگر پادشاهان این عصر بودند (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۴۴).

۲-۴- بازار در دوره دیلمیان

بازار در شهر شیراز پر ازدحام دیلمی، اگرچه از تنگی در فشار بود و دو چهار پا در کنار هم از بازار توان گذر نداشت، در جشن های ملی آذین‌بندی می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۰ و ۶۴۱)، دارای اصناف متعدد بود و هر صنفی راسته ای مانند راسته بزازان، کباب‌پزان (افسر، ۱۳۵۳: ۵۳) و بازار حوزیان (شتربانان) در کنار مسجد جامع داشت (دیلمی، ۱۳۶۳: ۳۶) و روی‌گری، سپیدگری، حقه‌گری (قوطی سازی)، فساد (حجامت کننده) و فلکه‌گری (چرخ سازی) از جمله مشاغل دوران آل بویه بود (همان: ۳۲۵-۳۲۷). کاروان‌سراهایی نیز با حجره های فراوان در اطراف بازار احداث شده بود. تجار بزرگ به واردات و صادرات اشتغال داشتند و این امر از طریق خشکی و دریایی به خصوص بندر سیراف صورت می‌گرفت. بندری که تا پیش از سال ۳۳۶ ه.ق در لار اهمیت داشت و پس از زلزله آن سال، بندر بصره جای‌گزین آن شد. محل تجارت بازرگانان تعلق به پادشاه داشت و حق الارض می‌پرداختند (خوب نظر و موید شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۵۸ و ۱۶۴) و نیز علاوه حکام از بازرگانان و تجار مالیات دریافت می‌کردند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۰). بخشی از فهرست داد و ستد این دوره در کتاب مسالک و ممالک اصطخری آمده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۳۵-۱۳۳).

۳-۳- ابنیه مهم شهری در دوره دیلمیان

مجموعه قصر، باغ و کتابخانه، بیمارستان و مسجد جامع عتیق که سرای امیر عضدالدوله در آن واقع بود و همانند شبستان مسجد نیشابور بنایی در میانسرایش قرار داشت، در بازار باشکوهی واقع بود که در هشت اقلیم هم‌تا نداشت و یک سوی مسجد به بازار بزازان گشوده می‌شد. بازار اصلی شهر که از شمال مسجد عتیق (باب جامع) که بهترین جای شهر بود تا دروازه استخر که فراخ‌ترین قسمت آن و شبیه به دروازه منا در مکه بود امتداد داشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۰-۶۴۲).

۳-۱- عضدالدوله دیلمی و آثار او (۳۲۸-۳۷۲ ه.ق)

شیراز در این دوره شاهد بیشترین آبادی و توسعه بود و بر وسعت شیراز افزوده شد (سامی، ۱۳۳۷: ۲۲) و به انتهای عظمت خود رسید (امداد، ۱۳۳۹: ۲۵)؛ از جمله بناهایی که در زمان او احداث شد، قصر با شکوه او، درالکتب، دارالشفای عضدی، بازار، مسجدی در داخل شهر (همان: ۲۷) و عمارتی با نام فیل‌خانه یا گنبد عضدی برای جای دادن دوازده فیل جنگی که از جنگ با قابوس با خود آورده بود با طول و عرضی تمام (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۳۴) که تا ابتدای قرن ۸ ه.ق استوار بود، گهواره دید (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/ ۷۹۹) که کرنلی لوبروین سیاح هلندی دوره شاه سلطان حسین صفوی، کاربری آن را نمازخانه‌ای معرفی کرده که وقف حضرت علی(ع) شده است (Bruyn, 1725: 423)، شاید این بنا که در بالاترین نقطه ورودی شهر قرار داشت، نماد حکومت شیعی آل بویه بوده است، و دارالعجزه در نزدیکی صحرای مصلی و در شمال مقبره علی بن حمزه(ع) و ساخت بند امیر از آثار او بود (سامی، ۱۳۳۷: ۲۲).

۳-۱-۱- گرد فنا خسرو عضدالدوله

در زمان پادشاهی عضدالدوله، عرب و یمن تا سند در حیطة اقتدار پادشاه بود و بنابراین نیاز به استقرار سپاهی عظیم و انتقال افراد به این شهر داشت. او برای استقرار سپاهش در اراضی میان ابش خاتون و قصر ابونصر (سامی، ۱۳۳۷: ۲۴) خارج از دروازه سلم (شاه داعی الله) در سال ۳۶۳ ه.ق شهری با نام گرد فنا خسرو یا خسرو گرد ساخت (ابن بلخی، ۱۳۸۴: ۱۳۲) و مسجد جامعی در آن احداث کرد و از بزرگان خواست تا در آن خانه‌سازی کنند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۳) و بازاری طولانی و نیکو با نام سوق الامیر (بازار امیر) در میان این شهر و عضدالدوله در آن سرا و باغ‌های عالی ساخت که از رود و قنات سیراب می‌شدند (ابن بلخی، ۱۳۸۴: ۱۳۳) (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۷۰۳) و هر ساله در آن جشنی برپا می‌شد و غالب صنعتگران از جمله پشم‌بافان و خزدوزان و دیگر پیشه‌ها در آن گرد می‌آمدند و دارای ضراب‌خانه بود (امداد، ۱۳۳۹: ۲۷). از عواید بازار آن ۱۶۰۰۰ دینار به دیوان عضدی می‌رسید (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۲۵). متأسفانه بسیار زود و پس از فوت عضدالدوله دیلمی پس از ۲۸ سال پادشاهی تخریب شد و تبدیل به مزرعه گردید (ابن بلخی، ۱۳۸۴: ۱۳۳) و نیز مولف کتاب شیرازنامه در قرن ۸ ه.ق عنوان می‌کند که اثری از آن گرد باقی نمانده است (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۲۵)، اما بنا بر نوشته حسینی فسایی در کتاب ارزشمند فارس‌نامه ناصری، گویا محور چند بازاری که در این گرد احداث شده بود با نام شیب بازار تا عصر قاجار در جنوب شرق شیراز پابرجا بوده است (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۲۹۳).

۳-۱-۲- قنات رکن آباد و گویم

در زمان رکن الدوله پدر عضالدوله دیلمی، قنات رکن آباد احداث می‌شود که به آب رکنی شهرت می‌یابد (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۱۸). و در زمان عضالدوله دیلمی آب از گویم تا خانه عضالدوله آورده شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۲) که آنرا قنات عضدی نامیدند. این مساله نشان‌دهنده آن است که آب گویم بخش‌های جنوبی و آب رکنی بخش‌های شمالی شهر را سیراب می‌کرد. مساله تامین آب از جمله مهمترین عوامل گزینش مکان مناسب جهت احداث تاسیسات هر حکومت بود و بر همین اساس یعنی مساله آبرسانی و آبیاری، محل احداث بنای حکومتی دیلمیان در شهر برگزیده شد.

۳-۱-۳- باغ و کاخ عضالدوله دیلمی

عضد الدوله پس از نشستن بر تخت، در شیراز سرایی ساخت که در خاور و باختر بی‌همتا بود و هر کس که آنرا دید شیفته آن شد. دارای نهرهای جاری، گنبدهایی برپا، چند استخر و درختان و نیازگاه (!) بود. پذیرایی از مهمان‌ها در این باغ با آراستن، فرش کردن و گردش در آن صورت می‌گرفت. کاخی با ۳۶۰ اتاق در دو طبقه در آن احداث شده بود که عضد الدوله هر روز از سال در یکی از آنها ساکن می‌شد و هیچ کدام مانند دیگری نبود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۶۸).

۳-۱-۴- دارالکتب عضدی و خاندان فرازی

در داخل باغ عظیم عضدالدوله، دارالکتب یا کتابخانه با شکوهی نیز به دستور وی ساخته شد. این کتابخانه که شامل دالان‌های سرپوشیده با رواق و سردر و یک سالن بزرگ مفروش بود و انبارهای کتاب در اطرافش جای داشتند. طبقه‌ای چوبین به قد انسان در دیوارها قرار داشت و کتاب‌ها بر اساس نوع، طبقه‌بندی شده بودند و فهرست‌هایی نیز برایشان تهیه شده بود که نام کتاب در آن‌ها نوشته شده بود. زیر نظر یک سرپرست، یک کتاب‌دار و یک ناظر از نیکوکاران شهر اداره می‌شد. از هر کتابی که در دانشگاه‌های گوناگون تدریس می‌شود، یک نسخه در این‌جا موجود بود. دربانانی در نزدیکی ورودی کتابخانه می‌ایستادند و همه اجازه ورود نداشتند. تمام ساختمان کتابخانه مفروش بود. به این ساختمان از دو محل آب می‌رسید. یکی نهر آب پر قدرتی در طبقه پایین در جریان بود و به بعضی اتاق‌ها می‌رفت که آن‌را در یک مرحله تا درون شهر کشیده بودند و دیگری قناتی بود که از دو فرسنگی شهر کشیده بودند و از روی بام‌ها گذر می‌کرد و بر روی چهار طاقی‌های حصیری آب می‌پاشید (همان: ۶۶۹).

قاضی عبدالله محمد بن احمد بن سلمان الفرازی از قبیله بنی فرازه عرب (ابن بلخی، ۱۳۸۴: ۱۱۷) که از علمای درس و فضایی زمان بود (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۸۸)، متولی این کتابخانه بود که در عهد خلافت الراضی بالله قاضی درالخلافة عباسیان بود و عضدالدوله او را به شیراز دعوت نمود و در زمان شرف الدوله متولی این کتابخانه مجلل شد و طلبه و مستعدان از آن بهره می‌بردند (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۳۵).

ابن بلخی که آن کتابخانه را دارالکتب عضدی می‌خواند، عنوان می‌کند که تا این زمان (قرن ۶ ه.ق) به همت خاندان این قاضی آباد است (ابن بلخی، ۱۳۸۱: ۱۳۴). این قاضی مدرسه‌ای با نام مدرسه فرازی، فرازی یا افزاریه (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۳۴) (لیمبرت، ۱۳۸۶: ۸۱) احداث کرد. جنید شیرازی نویسنده کتاب تذکره هزار مزار در ابتدای قرن ۹ ه.ق این مدرسه را از جمله مدارس مهم، قدیمی و بقاع شیراز معرفی می‌کند (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۵ و ۳۸۸). در شرق مسجد جمعه محله‌ای است با نام قاضی که حمامی بسیار قدیمی در آن با همین نام قرار دارد که به احتمال محل خانه و ابنیه خیریه قاضی فرازی بوده اند (افسر، ۱۳۵۳: ۶۲).

۳-۱-۵- دارالشفای عضدی

در همین دوره، ابی عبدالله محمد بن احمد بنی ابی بکر البناء سوریانی در سال ۳۷۵ ه.ق جهانگردی خویش را از سوریه آغاز کرد و شیراز را چنین توصیف می‌کند: «شهر شیراز از بزرگترین شهرهای اقلیم پارس است. در میان شهر و در نزدیکی بازار بزازها، بیمارستان بزرگی تاسیس شده است که به جمیع آلات و ادوات طبی و انواع داروها آماده است» (سامی، ۱۳۳۷: ۲۴) و برای مخارج آن مواضع ملکی وقف شد (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۳۴). مولف ابن بلخی در قرن ۶ ه.ق این بیمارستان را نام می‌برد اما عنوان می‌کند که خلل به آن وارده شده است (ابن بلخی، ۱۱۳۸۴: ۱۳۳)، از این نوشته چنین برمی‌آید که در دوره دیلمیان، هر صف بازاری جداگانه داشت و دارالشفای عضدی که احتمالاً در جنوب غرب مسجد عتیق واقع بود چرا که ورودی غربی و شمالی مسجد جامع به بازار گشوده می‌شد (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲۵۱/۱) که مقدسی آنرا بازار بزازان خوانده است و از آن‌جا که آنرا میان شهر

۱ آب رکنی، تکایای چهل تن، هفت تن، حافظیه، بستان‌های دیوانی جهان‌نما و باغ نو و مقبره علی بن حمزه (ع) را مشروب می‌ساخت (بی‌نا، ۱۲۱۹: ۴۹ و ۴۸).

۲ اگرچه در منابع به محل دقیق دارالکتب اشاره نشده است اما براساس آنکه آب قنات گویم به این باغ وارد می‌شد، و بر مبنای مسیر این قنات که هنوز هم باغ‌های قصر الدشت و محلات سرباغ، لب آب و بالا کفت می‌گذرد تا به درب سلم و زمین‌های خارج از شهر در محل سوق الامیر می‌رسد (افسر، ۱۳۵۳: ۵۵) می‌توان دو محل برای آن در نظر گرفت؛ یکی در غرب شاه‌چراغ (بنیادی، ۱۳۷۶: ۵۷) و دیگری در حوالی مسجد عتیق. علاوه بر قنات ذکر شده رودی نیز از دارالکتب، باغ و گرد می‌گذشت که آنرا نیز باید در این جامایی لحاظ کرد؛ بنابراین نمی‌توان مکان مشخصی برای آن در نظر گرفت.

معرفی می‌کند در نتیجه احتمالاً محل این دارالشفاء در جنوب حرم سید میر محمد (ع) واقع بود و مولف کتاب بافت قدیمی شیراز نیز محل آنرا در محله لب آب می‌داند (افسر، ۱۳۵۳: ۱۱۳).

۴- ابنيه موجود مورد استفاده دیلمیان:

دیلمیان پس از انتخاب شیراز به عنوان پایتخت در آغاز در ابنيه ای ساکن شدند که از حکام پیشین در آن شهر باقی مانده بود. دیلمیان در کنار حفظ و بهره‌بری از این ابنيه شروع به ساخت بناهای جدید و شهرسازی کردند، اما دو بنایی که بر مبنای منابع موجود، مورد استفاده آن‌ها قرار گرفت یکی سرای امارت خلیفه عباسی در شیراز و دیگری سرایی در شبستان مسجد عتیق از ساخته‌های عصر صفاریان بود.

۴-۱- دارالاماره عمادالدوله

اصطخری از تاریخ نویسان قرن ۳ و ۴ ه.ق در کتاب خود عنوان می‌کند که دیوان و سرای امارت در شیراز قرار دارد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۹۶). در حدود سال ۳۲۱ ه.ق علی پسر بویه دیلمی که پس از پیروزی لقب عمادالدوله گرفت به یاقوت پسر مظفر که از سوی مقتدر خلیفه عباسی در شیراز حکومت داشت حمله برد، شیراز را به پایتختی برگزید و در محل دارالاماره وی ساکن شد (افسر، ۱۳۵۳: ۴۴). در کتاب تجارب الامم آمده است که محل زندگی عمادالدوله (همان سرای او که در واقع دارالاماره خلیفه عباسی بود که وی در آن ساکن شده بود) به دروازه استخر بود (مسکویه الرازی، ۱۳۷۶: ۱۷/۶) که نشان‌دهنده آن است که دارالاماره عباسی در نزدیکی دروازه استخر در شمال شهر واقع بود. دروازه استخر تا دوره اتابکان در نزدیک آرامگاه سید حسن کیا قرار داشت (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۱۲). عمادالدوله پس از برگزیدن عضدالدوله به جانشینی خویش، او را در سرای خویش به تخت نشاند و مردم بر او درود فرستادند (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲/۵۰۲۴). او در سال ۳۳۸ ه.ق از زخم کلیه وفات یافت (مسکویه الرازی، ۱۳۷۶: ۱۶/۱۵۸) و در خارج از دروازه استخر نزدیک مزار علی بن حمزه (ع) به خاک سپرده شد، پس از او فنا خسرو دیلمی زمام امور را در دست گرفت که در سال ۳۵۱ ه.ق لقب عضدالدوله برای وی برگزیده شد (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/۲۱۸ و ۲۲۰).

۴-۲- سرای عضدالدوله در مسجد جامع

در منابع تاریخی در کنار باغ‌ها و کاخ‌های عضدالدوله از سرای او در مسجد جامع عتیق نام برده شده است. مقدسی در کتاب خود عنوان می‌کند که مسجد جامع همانند شبستان نیشابور، خانه ای در آن است، سرای امیر عضدالدوله در جامع عتیق است که سر نخ همه در آن جاست (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۴۱). این مساله که آیا این سرا در این مسجد توسط عضدالدوله در آن ساخته شده است و یا از عصر پیشین در آن وجود داشته است یا نه اطلاعاتی در دست نیست تنها آن که در منابع قرن ۴ ه.ق به بعد از آن با عنوان سرای عضدالدوله نام برده شده است که علاوه بر شناخت بناهای دیلمیان اطلاعات مفیدی از کاربرد مسجد عتیق و سازه اش در آن عصر به دست می‌دهد. واژه در سرا در منابع گوناگون با معنای مختلفی همچون کاخ، خانه و دیوانخانه به کار برده شده است. طبق نوشته مورخین، شیخ کبیر با عمادالدوله دیلمی (۳۲۱-۳۳۷ ه.ق) و عضدالدوله دیلمی (۳۳۸-۳۷۲ ه.ق) که در آن ایام سلطنت فارس و توابع را داشته اند معاصر بود و سلاطین دیالمه مخصوصاً عضدالدوله نسبت به شیخ کبیر ارادت می‌ورزیدند و او نیز گاهی به ملاقات آنها می‌رفت (رشاد، ۱۳۵۲: ۲۱). در کتاب تذکره الاولیای عطار درباره شیخ کبیر در قرن ۴ ه.ق و معاصر عضدالدوله دیلمی حکایتی از این پادشاه و سرای او این چنین نقل می‌کند: «تقلست که دو صوفی از جایی دور به زیارت شیخ کبیر آمدند شیخ را در خانقاه نیافتند پرسیدند که کجاست گفتند به سرای عضدالدوله گفتند شیخ را با سرای سلاطین چه کار درینا آن ظن ما بدین شیخ. پس گفتند که در شهر طوفی کنیم، در بازار شدند در دکان خیاطی رفتند تا جیب خرجه بدوزند. خیاط را ضایع شد. ایشان را گفتند که شما گرفته اید پس به دست سرهنگی دادند، به سرای عضدالدوله بردند، عضدالدوله فرمود که دست ایشان باز کنید. شیخ عبدالله خفیف حاضر بود گفت: صبر کنید که این کار ایشان نیست. ایشان را خلاص دادند پس با صوفیان گفت: ای جوان مردان آن ظن شما راست بود اما آمدن ما به سرای سلاطین به جهت چنین کارهاست[...].» (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۲/۱۳۵۴). بنابراین سرای عضدالدوله در مسجد عتیق شیراز و در کنار شبستان آن قرار داشت و بنابراین مسجد عتیق دیوان سرا بوده است که جمله سرخ همه در آنجاست این مطلب را تأیید می‌کند که مکانی برای روبرویی شاه با مردم و حل مشکلات آنان نیز بوده است.

جامع عتیق بنا بر روایات شیخ کبیر در عصر آل بویه دارای دارالمصاحف بوده است. زمان ساخت دارالمصحف در منابع پژوهشی در زمان شاه ابو اسحاق اینجو عنوان شده است (سامی، ۱۳۳۷: ۸۹). در کتاب سیرت شیخ کبیر تألیف به سال ۳۷۱ ه.ق، شیخ از ابویکر عطار که هم عصر وی یعنی قرن ۴ ه.ق بود نقل می‌کند که «او در دارالمصاحف می‌نشسته و خدمت مشایخ می‌کرده و استماع سخن آنان می‌کرده» (دیلمی، ۱۳۶۳: ۱۸۹)، بنابراین ساخت دارالمصحف و ساختمان مسجد هم‌زمان بوده است و احتمالاً ابو اسحاق در سال ۷۵۲ ه.ق آنرا مرمت کرده است (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴: ۳۵۸). مسجدی که در عصر آل بویه، دارای سرایی در شبستانش و دارالمصاحفی در میان سرایش بود.

۵- نتیجه‌گیری

شیراز در عصر آل بویه بار دیگر و پس از عصر صفاریان به عنوان پای‌تخت حکومت برگزیده شد. پس از این گزینش شاهد دو رویکرد هستیم که یکی ساخت بناهای جدید عمومی و خصوصی در راستای توسعه شهری و دیگری به کارگیری ابنیه موجود از عصر صفاریان و عباسیان در دوره حکومتی جدید بود. ابنیه‌ای هم‌چون کاخ و باغ عضدالدوله، سوق الامیر و دارالشفاى عضدی در این عصر بنا شدند و ابنیه‌ای مانند سرای عضدالدوله در مسجد جامع و دارالاماره عمادالدوله در شمال شهر، همان ابنیه دوره حکومتی پیشین بودند که بار دیگر مورد استفاده دیلمیان قرار گرفتند. دارالاماره خلیفه عباسی یا سرای او در شیراز به عنوان سرای عمادالدوله و محل به جانشینی برگزیده شدن عضدالدوله مورد استفاده قرار گرفت و مسجد عتیق که در عصر صفاریان بنا شده بود نیز در این عصر به عنوان دیوان یا سرای عضدالدوله به کار گرفته شد. شناخت و تحلیل دقیق این ابنیه در زمینه بررسی عصر آل بویه امری ضروری است.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۳)، «تاریخ کامل ابن اثیر، ترجمه سید حسن روحانی و حمیدرضا آژیر»، جلد دوازدهم، چاپ اول، تهران: اساطیر
۲. ابن بطوطه (۱۳۷۰)، «سفرنامه ابن بطوطه»، ترجمه محمد علی موحد، جلد اول، چاپ ششم، تهران: سپهر نقش
۳. ابن بلخی (۱۳۸۴)، «فارس‌نامه ابن بلخی»، تصحیح گای لسترانج، چاپ اول، تهران: اساطیر
۴. اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰)، «مسالک و ممالک»، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۵. افسر، کرامت الله (۱۳۵۳)، «تاریخ بافت قدیمی شیراز»، چاپ اول، تهران: زیبا
۶. امداد، حسن (۱۳۳۹)، «شیراز در گذشته و حال»، چاپ اول، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس
۷. بنیادی، ناصر (۱۳۷۶)، «تحول تاریخی ساختار شهری شیراز و فضاهای شهری آن»، آبادی، صص ۵۷-۶۷
۸. بی‌نا (۱۲۱۹)، «مسافت فارس و عراق»
۹. بی‌نا (۱۳۶۱)، «حدودالعالم (من المشرق الی المغرب)»، به کوشش منوچهر ستوده، چاپ اول، تهران: طهوری
۱۰. جنید شیرازی، «معین الدین جنید بن محمود (۱۳۶۴)»، تذکره هزار مزار، ترجمه عیسی بن جنید، چاپ اول، شیراز: انتشارات شیراز
۱۱. حسینی فسایی، حسن (۱۳۸۸)، «فارس‌نامه ناصری»، جلد اول و دوم، چاپ چهارم، تهران: امیر کبیر
۱۲. خوب نظر، حسن (۱۳۸۰)، «تاریخ شیراز (از آغاز تا ابتدای سلطنت کریمخان زند)»، به کوشش دکتر جعفر موید شیرازی، چاپ اول، تهران: سخن
۱۳. دیلمی، ابوالحسن (۱۳۶۳)، «سیرت شیخ کبیر ابوعبدالله ابن خفیف شیرازی»، ترجمه رکن الدین یحیی بن جنید شیرازی، تصحیح ا. شمیل. به کوشش توفیق سبحانی، چاپ اول، تهران: نشر بابک
۱۴. رشاد، محمد (۱۳۵۲)، «خفیف شیرازی عارف بزرگ قرن ۴ هجری»، چاپ اول، تهران: اندیشه
۱۵. زرکوب شیرازی، ابوالعباس احمد بن ابی‌الخیر (۱۳۵۰)، «شیراز نامه»، تصحیح و اهتمام بهمن کریمی، چاپ اول، تهران: روشنائی
۱۶. سامی، علی (۱۳۳۷)، «شیراز شهر سعدی و حافظ، شهر گل و بلبل»، چاپ اول، شیراز: موسوی
۱۷. عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۰)، «تذکره الاولیا»، چاپ سوم، تهران: فکر روز
۱۸. فرصت شیرازی، محمد نصیر (۱۳۷۷)، «آثار عجم»، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران: امیر کبیر
۱۹. کمالی سروسستانی، کوروش (۱۳۸۴)، «دانش‌نامه آثار تاریخی فارس»، چاپ اول، شیراز: موسسه فرهنگی و پژوهشی دانش‌نامه فارس
۲۰. لمبیرت، جان (۱۳۸۶)، «شیراز در روزگار حافظ؛ شکوهمندی شهر ایرانی در قرون وسطی»، ترجمه همایون صنعتی زاده، چاپ اول، شیراز: موسسه فرهنگی و پژوهشی دانش‌نامه فارس
۲۱. مسکویه الرازی، ابوعلی (۱۳۷۶)، «تجارب الامم»، ترجمه علی‌نقی منزوی، جلد ششم، چاپ اول، تهران: توس
۲۲. مقدسی، بو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، «احسن التقاسیم»، ترجمه علی‌نقی بهروزی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران
23. Bruyn, Cornelius (1752). the travels of Cornelis Le Brun, trough Muscovy and Persia, to the east- Indies. London: Oxford.